روزنامه شرق

یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۴
۲۵ رمضان ۱۴۴۷
۱۵ مارس ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۴۷
۳۰ هزار تومان
۸ صفحه

اعتراف تاریخی رئیس جمهوری کوبا به آغاز گفت‌وگوهای پنهانی با واشنگتن

مذاکره برای بقا

۴

در «شرق» امروز می‌خوانید: آرایش جنگی اسرائیل در مرز لبنان • نگاهی به رمان «آن‌قدر سرد که برف ببارد»، اثر جسیکا؛ به خاطر سپردن خاطرات • ۵۰۰ میلیون تومان خسارت مراکز بهزیستی

«شرق» از گمانه‌زنی‌های دیپلماتیک برای آتش‌بس و پیش‌بینی زمان پایان جنگ گزارش می‌دهد

خیلی دور، خیلی نزدیک

گزارش تیتر یک را در صفحه ۲ بخوانید

«شرق» انگیزه آمریکا از حمله به جزیره نفتی ایران را بررسی می کند

خارگ؛ قلب تپنده نفت

صفحه ۳

«شرق» از حمله هوایی آمریکا به جزیره خارگ گزارش می‌دهد

تلاقی جنگ و نفت

صفحه ۲

خارگ؛ تکه‌ای از جان ما

برگزیده‌ها

گزارش اختصاصی «شرق» از آخرین آمار قربانیان و مجروحان جنگ و شهدای سلامت

۲۲۰ زن و ۲۰۲ کودک؛ قربانیان ۱۴ روز جنگ

۵

درخواست ۱۱۴۴ نفر از جامعه جهانی

دادخواست جامعه مدنی ایران علیه جنایت در مدرسه

۸

در باب تسلّا: رسیدن به آرامش به وقتِ تیره‌روزی

ما تنها نیستیم و هرگز نبوده‌ایم

۷

بمب‌های هوش مصنوعی در جنگ با ایران

۸

نگاه

ایران چگونه پس از جنگ تحمیلی به هژمونی منطقه تبدیل می‌شود؟

یادداشتی از مهدی زارع

۸

یادداشت

پزشکیان، پیشتاز مدیریت بحران جنگ

امیر ستاری

در روزگار حساس و بحرانی کنونی که کشور با تجاوز نظامی مستقیم ایالات متحده آمریکا و اسرائیل مواجه است و جنگی ۱۰ روزه در جریان است، مسعود پزشکیان توانسته با تمرکز کامل بر اصل وظیفه ملی و امنیت کشور، مدیریت اجرائی بی‌سابقه‌ای را به نمایش بگذارد. در شرایطی که بسیاری از ناظران داخلی و خارجی تلاش می‌کنند بحران جاری را به حاشیه‌ها و تحلیل‌های سطحی محدود کنند، رئیس‌جمهور و هیئت دولت با بی‌توجهی به هرگونه حاشیه‌سازی و تمرکز تمام‌قد بر اصل موضوع، نشان دادند که در بحران‌های بزرگ، کارآمدی، تدبیر و مسئولیت‌پذیری، محور اصلی عمل و تصمیم‌گیری است. تجربه موفق دولت در جنگ ۱۲روزه خردادماه امسال، پیش‌زمینه‌ای شد تا رئیس‌جمهور با دانش عمیق اجرائی و تصمیم‌گیری دقیق، بتواند نه‌تنها امنیت کشور را در برابر تجاوز خارجی تضمین کند، بلکه مسیر مدیریت بحران جاری را با اتکا به برنامه‌ریزی‌های همه‌جانبه و نگاه به رفاه عمومی پیش ببرد. آنچه در این مدت بیش از پیش نمایان شده، اهتمام تمام‌عیار دولت برای حفظ معیشت مردم است. از تأمین کالاهای اساسی، دارو و خدمات حیاتی تا پیگیری‌های مکرر و شبانه‌روزی برای اطمینان از اینکه جنگ کمترین تأثیر ممکن را بر زندگی روزمره مردم داشته باشد، همه نشان‌دهنده اراده جدی دولت در اولویت‌بندی رفاه شهروندان است. این تلاش‌ها، نمونه‌ای بارز از مدیریت اجرائی هوشمند و جامع است که هم‌زمان امنیت ملی، ثبات اجتماعی و رفاه عمومی را تضمین می‌کند. تمرکز دولت بر مدیریت اجرائی بحران، فارغ از حاشیه‌ها، به‌وضوح در تصمیم‌گیری‌های عملیاتی، برنامه‌ریزی‌های روزانه و پیگیری‌های مستمر مشاهده می‌شود. رئیس‌جمهور با حضور فعال در جلسات متعدد، بررسی گزارش‌ها و تحلیل دقیق وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور، توانسته است ضمن هدایت تصمیمات اجرائی، اطمینان حاصل کند که کمترین آسیب به تأمین کالاهای اساسی و زندگی مردم وارد شود. در این راستا، هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف، از وزارتخانه‌های مسئول تأمین کالاهای حیاتی تا نهادهای نظارتی و اجرائی، با دقتی مثال‌زدنی انجام می‌شود تا هیچ خلأیی در تأمین نیازهای اساسی مردم باقی نماند. یکی دیگر از ابعاد برجسته مدیریت اجرائی پزشکیان، پیگیری مستمر و بی‌وقفه امور مرتبط با زندگی مردم و معیشت عمومی است. در شرایطی که جنگ جاری می‌تواند فشار روانی و اقتصادی شدیدی بر جامعه وارد کند، دولت با تمرکز بر برنامه‌ریزی دقیق، تقسیم منابع و اولویت‌بندی نیازهای حیاتی، نشان داد که رفاه مردم و تأمین نیازهای اساسی، هم‌تراز با امنیت ملی است و هیچ‌گاه از چرخه تصمیم‌گیری خارج نمی‌شود. توجه به کوچک‌ترین جزئیات و پیگیری لحظه‌به‌لحظه برای اطمینان از دسترسی شهروندان به کالاهای اساسی، خدمات درمانی و دارویی، نمونه‌ای بی‌نظیر از مسئولیت‌پذیری اجرائی و دقت در عمل است که کمتر مدیری توانسته آن را در شرایط جنگی تجربه کند.

در کنار این توجه به رفاه عمومی، دیپلماسی فعال و هوشمندانه دولت تحت رهبری پزشکیان، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در مدیریت بحران جاری داشته است. استفاده از کانال‌های دیپلماتیک، ارسال پیام‌های روشن و مستند درخصوص حق دفاع مشروع ایران و تعامل محاسبه‌شده با جامعه بین‌الملل، مانع از تشدید اثرات روانی و سیاسی تجاوز خارجی شده است. این دیپلماسی فعال نشان می‌دهد ایران در شرایط جنگی نه‌تنها به مدیریت داخلی و معیشت مردم اهمیت می‌دهد، بلکه به حفظ جایگاه خود در عرصه جهانی و جلوگیری از تشدید فشارهای بین‌المللی نیز توجه دارد. مدیریت اجرائی پزشکیان تلفیقی از تدبیر، دقت، پیگیری و تمرکز بر رفاه عمومی است که همگان را به همکاری و حمایت از سیاست‌های دولت ترغیب کرده است. این مدیریت توانسته اعتماد عمومی را حفظ کرده و روحیه ملی را تقویت کند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

دیپلماسی در خدمت صلح پایدار

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

مقاومت سرسختانه ایران متحد برای بسیاری از ناظران و تحلیلگران در سطح جهان شگفت‌انگیز و غیرمنتظره بود. با مرور مطالبی که از ابتدای تهاجم تجاوزکارانه دشمنان از طرف سیاسیون غربی بیان شده، می‌توان طیف متنوعی از اهداف را برای این تهاجم شناسایی کرد؛ از تغییر حکومت و تجزیه کشور تا تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران به‌گونه‌ای که دیگر تهدیدی برای آمریکا و متحد منطقه‌ای‌اش نباشد. اما مقاومت طرف ایرانی نشان داد دشمن با حریفی توانمند و مصمم روبه‌رو است که میدان را خالی نخواهد کرد. این مقاومت می‌تواند دشمنان ایران را از سودای خام دستیابی به اهداف بلندپروازانه ناامید کند. بااین‌حال اجازه دهید از منظری دیگر به موضوع نگاه کنیم. جامعه ایران امروز سالیان سال زیستن زیر سایه جنگ را تجربه کرده است. چنین زیستنی امکان دستیابی به رشد اقتصادی، گسترش رفاه، جلب رضایت حداکثری شهروندان و در نهایت تشکیل سرمایه اجتماعی را از کشور می‌گیرد و جامعه در بلندمدت به موقعیتی می‌رسد که درهم‌شکستنش برای دشمنان آسان شود. حال اگر در این مرحله ملت ایران با مقاومت یکپارچه خود دشمنان را از تداوم تهاجم و کودک‌کشی ناامید کند، باز هم بدخواهان به بخشی از خواسته خود، یعنی تحمیل وضعیت جنگی به ملت ایران یا حداقل وضعیت نه جنگ نه صلح و تمدید زیستن در سایه جنگ برای سالیان آینده رسیده‌اند. بی‌تردید نفع بلندمدت ایران در تحکیم مبانی صلح پایدار و فراهم‌آمدن فرصت بازگشت به اقتصاد جهان و استفاده از ظرفیت‌های عظیم کشور در مسیر رشد و شکوفایی اقتصادی است؛ مسیری که بسیاری از کشورها در چند دهه گذشته تجربه کرده‌اند. این بازگشت شرایطی را ایجاد می‌کند که با گسترش رفاه عمومی و جلب رضایت حداکثری شهروندان، ثبات سیاسی و اجتماعی به بالاترین درجه خود برسد. اما در مقابل، نفع بلندمدت و حتی کوتاه‌مدت بدخواهان ایران در این است که آتش جنگ در منطقه تشدید شود و فرصت رشد اقتصادی منطقه و ایران از بین برود. دقیقا به همین دلیل است که فلان مقام رژیم صهیونیستی در گیرودار جنگ با ایران، ترکیه را تهدید به جنگ می‌کند و برای بقیه کشورهای منطقه شاخ و شانه می‌کشد. درواقع حیات رژیم صهیونیستی به‌شدت به جنگ‌افروزی گره خورده؛ زیرا تنها در چنین شرایطی است که می‌تواند از حمایت گسترده لابی صهیونیستی در آمریکا بهره گرفته و ساختار حکومت این کشور را در خدمت اهداف توسعه‌طلبانه خود بگیرد. به این ترتیب این ادعا که وضعیت مطلوب بدخواهان ایران تداوم شرایط جنگی در منطقه و درگیرماندن ایران در جنگی طولانی است، نمی‌تواند ادعایی گزاف و بی‌پایه تلقی شود. در چنین شرایطی که نفع بلندمدت ایران در گسترش صلح پایدار است و نفع طرف مقابل در تشدید و گسترش جنگ، دیپلماسی می‌تواند به‌عنوان مکمل دفاع مشروع و بازدارنده و ابزاری برای برهم‌زدن آرایش زمین بازی به نفع کشورمان به کار گرفته شود. بی‌علاقگی ایران به مذاکره مجدد و تأکید بر تداوم دفاع که مسئولان بارها به آن اشاره کرده‌اند، از یک سو نشان از آمادگی برای درگیری طولانی‌مدت دارد که به معنی نادرست‌بودن تصورات و توهمات طرف مقابل است و اینکه حتی اگر مذاکره‌ای هم اتفاق بیفتد، هرگز همراه با دادن امتیاز و کوتاه‌آمدن در مقابل زورگویی‌های متجاوزان نخواهد بود. از سوی دیگر کاهش تحرک در میدان دیپلماسی و گفتمان‌سازی رسانه‌ای در شرایطی که دشمن به گسترده‌ترین شکل وارد این میدان شده است، به‌تدریج موقعیتی مطلوب را برای بدخواهان ایران ایجاد می‌کند که در ارائه تصویری مخدوش از ایران صلح‌دوست و جاانداختن آن در افکار عمومی جهانیان و حتی در داخل کشور توفیقی هرچند نسبی بیابند. هدف از ارائه چنین تصویری، جلوگیری از ایجاد موج حمایت افکار عمومی جهان از ایران و حتی هدف قراردادن وحدت و یکپارچگی ملت ایران در این روزهای سخت است. تحرک عزتمندانه و مقتدرانه در میدان دیپلماسی یک ضرورت انکارناپذیر است. دعوت از نهادهای بین‌المللی و جامعه جهانی برای کمک به برقراری صلح، بیان شرایط اولیه و خواسته‌های مشروع طرف ایرانی و اعلام آمادگی برای پذیرش صلحی پایدار و عزتمندانه به‌جای آتش‌بس ناپایدار، می‌تواند دشمن را همان‌طور که در میدان نبرد زمین‌گیر شده، در میدان گفتمان‌سازی نیز مغلوب و زمین‌گیر کند. دقیقا به همین دلیل واکنش عجولانه ترامپ به سخنان چند روز پیش رئیس‌جمهوری کشورمان را که با قصد دلجویی از کشورهای همسایه و اطمینان‌بخشی به ملت‌های مسلمان منطقه بیان شد، باید تلاشی برای جلوگیری از ورود ایران به حوزه گفتمان‌سازی تلقی کرد؛ تلاشی که به قول عراقچی امید به راه‌حل‌های دیپلماتیک را از بین برد. ترامپ و شریک جنگ‌افروزش نتانیاهو می‌کوشند ایران را برای جهانیان کشوری جنگ‌طلب و ناآرام معرفی کنند که هرچند در دو جنگ اخیر آغازکننده نبوده، اما از جنگ استقبال می‌کند. از این‌رو هر اقدامی که به تثبیت چنین تصویری از کشورمان کمک کند، در نهایت به نفع محور نات (ناتانیاهو-ترامپ) تمام می‌شود. مسئولان کشورمان در سال‌های گذشته بارها و بارها و در فرصت‌های مختلف به این واقعیت مهم تاریخی اشاره کرده‌اند که ملت صلح‌دوست ایران در طول ۳۰۰ سال گذشته هرگز آغازگر هیچ جنگی نبوده است. اما صرف کم‌تحرکی در میدان گفتمان‌سازی می‌تواند اهمیت این نکته ارزشمند تاریخی را از دید افکار عمومی جهان پنهان کند. تلاش برای مطرح‌کردن دعاوی حقوقی در مراجع بین‌المللی و در رأس آنها پرونده حمله وحشیانه به دانش‌آموزان میناب می‌تواند نقطه شروعی برای این گفتمان‌سازی هوشمندانه باشد.

سرمقاله

سناریوهای جنگ سرنوشت

کیومرث اشتریان

یک کارشناس خارجی گفته است که «این جنگ، جنگ سرنوشت زمین است (The fate of the earth)؛ آنچه در این جنگ و در ایران رخ می‌دهد، همه چیز را تغییر می‌دهد. اگر ایران پیروز شود، ما کلا از خاورمیانه و حتی اروپا حذف می‌شویم و شکست سیاسی، اجتماعی و ژئوپلیتیک می‌خوریم و اگر آمریکا و اسرائیل پیروز شوند، بریکس (BRICS) می‌میرد». پیش از این و پس از جنگ ۱۲روزه درباره سناریوی جنگ دوم (یعنی همین جنگی که امروز درگیر آن هستیم) نوشته بودم که حذف سران در دستور کار است و باید تمهیدات اصل ۱۱۱ قانون اساسی، حقوق اداری جنگ، تدارکات در حوزه تأمین مواد غذایی و پرداخت‌های بانکی و... فراهم شود. اینک در میانه همان جنگ بزرگ قرار داریم و ضمن یادآوری نکات تأمینی اقتصادی-اداری اضافه می‌کنم که در جنگ‌های بزرگ گاه یک اشتباه، و تنها یک اشتباه، می‌تواند نتیجه جنگ را تغییر دهد. از این‌رو باید سناریوهای گوناگون را فارغ از شدت و ضعف آنها پیش‌بینی کنیم.

۱- تداوم جنگ و مسدود ماندن تنگه هرمز برای جهان جبران‌ناپذیر است. مهم‌تر از آن، شکست دو قدرت اتمی بزرگ در دستیابی به اهداف جنگی که آغاز کرده‌اند، برای آنان سرشکستگی جهانی و شکستی تاریخی را رقم خواهد زد که سرنوشت جهان را برای قرن حاضر تعیین می‌کند. در چنین وضعیتی است که می‌توان تصور کرد اسرائیل و آمریکا به سوی گزینه هیروشیما و ناکازاکی بروند. این معنا را در مقاله‌ای که نخستین روز جنگ منتشر شد، مطرح کردم. اکنون پرسش این است که چه باید کرد؟ اگر چنین شود، پاسخ اتمی ایران منتفی است. در مقاله‌ای که در سال ۱۴۰۱ منتشر شد، درباره بمب اتم ایرانی اشاره کردم که «کارکرد این بمب کارکردی محافظه‌کارانه است؛ یعنی محافظت از توازن قدرت و وضع موجود در نظام بین‌الملل. بنابراین اینکه بگوییم «توپ بالای توپ بسیار است» در صورتی درست است که کارکردی نظامی و جنگی داشته باشد؛ درحالی‌که کارکرد بمب اتمی بازدارندگی است و نه کارکرد جنگی. از این‌رو، به طریقی متناقض‌نما بمب اتمی ایرانی می‌توانست کارکردی محافظه‌کارانه در نظم موجود بین‌المللی داشته باشد و نه اینکه مثلا رفتارها تهاجمی‌تر شود... . کارکرد بمب اتمی ایران ذاتا یک توازن منطقه‌ای است؛ از جنس توازن هند و پاکستان. نظم چندقطبی جهانی که در حال ظهور است، نوع دیگری از توازن را ضروری می‌کند. بنابراین بمب ایرانی کارکرد منطقه‌ای دارد و نه ضرورتا جهانی. منع تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی ذاتا توازن‌بخش نظام دوقطبی بود و برای نظام چندقطبی کارایی ندارد... . در مواجهه ایران با اسرائیل این بمب، توازن‌بخش است و حتی از جنگ این دو هم جلوگیری می‌کند. «بزنی می‌خوری. تو نمی‌زنی، او هم نمی‌زند»؛ چون هر دو متضرر می‌شوید. جنگ موشکی را هم کنترل می‌کند، چون با موشک، «رژیم چنج» (regime change) اتفاق نمی‌افتد؛ چراکه به توازن رسیده‌اید و ضررهای جنگ موشکی بیش از انتفاع آن برای طرفین است» (بمب اتم ایرانی؛ شهریور ۱۴۰۱، خبرآنلاین).

۲- اینک آن روزگار و آن فرصت گذشته است. از منظر نظریه بازی‌ها طرف شما باید به این معنا برسد که اگر بزند، به همان بزرگی ضربه می‌خورد. اینکه ایران چه گزینه‌ای برای مواجهه با جبران ضربه اتمی داشته باشد، موضوع مهمی است؛ به‌ویژه آنکه این ضربه متقابل فعلا ضربه اتمی نیست. اینکه سیاست‌مداران و مقامات نظامی ایران چه تدبیری برای این مهم اندیشیده‌اند، بر ما پوشیده است. برخی بر این باورند که امکان به‌کارگیری این ابزار از سوی آمریکا و اسرائیل وجود ندارد؛ چون هزینه‌های اخلاقی آن بالاست. در مقابل چنین استدلال می‌شود که این دو نفر (ترامپ و نتانیاهو) که در پایان عمر سیاسی و طبیعی خویش قرار دارند، حاضرند برای منافع کلان‌تر نظام سرمایه‌داری و برای «سرنوشت زمین» چنین هزینه‌ای را بپردازند. در چند سال اخیر نیز اینان نشان داده‌اند تمام ارزش‌های حقوق بین‌الملل را که دستاورد ۲۰۰ساله بشریت برای نظم و صلح جهانی بوده است، به هیچ می‌گیرند. گویی عقربه‌های ساعت حقوق بین‌الملل به ۲۰۰ سال پیش و به نقطه صفر بازگشته است؛ ترامپ دو جنگ علیه ایران را در میانه مذاکرات صورت داد، روزی سودای گرینلند دارد و روزی سودای کانادا و ونزوئلا و شاید فردا هم اروپا. اسرائیل بدون ترمز بین‌المللی، غزه را با خاک یکسان می‌کند و هیچ کارکرد جدی از حقوق بین‌الملل مشاهده نمی‌شود. ۳- در غیاب پاسخ اتمی از سوی ایران چه می‌توان کرد؟ آیا گستردگی سرزمینی و نهادی از یک سو و تکثر ظرفیت نظامی ایران از سوی دیگر می‌تواند این باور را تقویت کند که آمریکا و اسرائیل با به‌کارگیری بمب اتمی هم نمی‌توانند ایران را به زانو درآورند؟ این به معنی «بازدارندگی نامتقارن اتمی» است که در اینجا از قضا نه «ظرفیت نظامی» بلکه «ظرفیت نهادی رژیم سیاسی» در ایران است که بتواند در برابر حمله اتمی دوام بیاورد؛ یعنی مثلا حتی بدون مرکزیت سیاسی سنتیِ خود در تهران بتواند این ظرفیت را در هر جای ایران احیا کند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

چرخش نسبی

احمد شیرزاد

در این روزها، چرخش محسوسی در افکار عمومی ایرانیان و ترکیب آرای مردم در سطح ملی رخ داده است؛ به‌طوری که نگاه ملی و دفاع از استقلال ایران در میان مردم کوچه و بازار به‌وضوح تقویت شده و انگیزه‌ها برای ایستادگی در مقابل دشمنان متجاوز، فزونی یافته است. البته اوضاع برای کسانی که در را به روی خود بسته‌اند و دنیا را از دریچه کانال‌های تلویزیونی خاص و شبکه‌های اینترنتی ضدایرانی می‌بینند، متفاوت است. آنها کماکان لجوجانه تصور می‌کنند نظام جمهوری اسلامی به پایان خود نزدیک است. من، افزون بر جنایت بی‌نظیر و استثنائی شهیدکردن رهبری نظام، از میان عوامل مختلف چند دلیل اجتماعی را برای این جنبش فراگیر، در راستای دفاع از استقلال و یکپارچگی ایران، مورد توجه قرار می‌دهم.

۱- نفرت از رژیم صهیونیستی

تنفر ایرانیان از رژیم صهیونیستی تازگی ندارد؛ حتی پیش از انقلاب اسلامی نیز رژیم غاصب فلسطین در میان مردم ایران جایگاهی نداشت. نسل دهه ۳۰ شمسی و ماقبل آن یادشان می‌آید که در مسابقه فوتبال بین ایران و اسرائیل که ایران ۲ بر یک برد، چه غوغایی در سطح مردم کوچه و بازار بر ضد اسرائیلی‌ها برپا بود. حوالی سال ۱۳۵۲ بود (گمانم) که جنگ کشورهای عربی به رهبری مصر با صهیونیست‌ها منجر به آزادی صحرای سینا شد. به خاطر دارم که در آن روزها چه شور و هیجانی در بین مردم ایران در حمایت از جنگ اعراب بر ضد اسرائیل وجود داشت. در این چند سال اخیر هم روشن است که جنایت‌های رژیم صهیونیستی در منطقه، به‌ویژه نسل‌کشی آنها در غزه، نفرتی کم‌نظیر نسبت به غاصبان فلسطین در میان ایرانیان دامن زده است.

۲- رفتار و گفتار شخص ترامپ

مردم ایران طی سال‌های مختلف، احساسات متفاوتی نسبت به رؤسای جمهور آمریکا داشته‌اند. زمانی کندی شخصیتی محبوب برای مردم کوچه و بازار در ایران بود.

ادامه در صفحه ۵